

همزمان با تکاپوی تشکیل دولت در عراق، رهبر جریان صدر خواهان ادغام گروه‌های مسلح شد؛

بازگشت مقتدی؛ و آشوب سهم خواهی در بغداد



رامین برنو

وضعیت سیاسی عراق پس از انتخابات پارلمانی نوامبر ۲۰۲۵ همچنان در فضای پیچیده‌ای از رقابت‌های سیاسی، سهم‌خواهی جناحی، تنش‌های امنیتی و فشارهای خارجی گرفتار مانده است؛ وضعیتی که اکنون با معرفی «علی فالج کاظم‌الزیدی» به‌عنوان نخست‌وزیر مکلّف، وارد مرحله تازه‌ای شده است. هر چند توافق چارچوب هماهنگی شیعیان بر سر نامزدی الزیدی در ظاهر توانست بخشی از بن‌بست سیاسی را کاهش دهد، اما تحولات روزهای اخیر نشان می‌دهد که مسیر تشکیل دولت جدید همچنان با چالش‌های عمیق داخلی و منطقی‌های مواجهه است.

الزیدی که چهره‌ای دانشگاهی، اقتصادی و حقوقی توصیف می‌شود، تلاش کرده است از نخستین روزهای مأموریت خود، فضای سیاسی عراق را به سمت اجماع نسبی هدایت کند. ارائه برنامه وزارتی به هیئت رئیسه پارلمان، رایزنی با رهبران سیاسی و گفت‌وگو با جریان‌های مختلف، بخشی از تلاش او برای عبور از موانعی است که همواره دولت‌های عراق را پس از انتخابات گرفتار کرده است. با این حال، رقابت بر سر وزارت‌خانه‌ها، اختلافات جناحی و نگرانی از نفوذ خارجی، همچنان سایه سنگینی بر فرآیند تشکیل کابینه دارد.

دیدارهای الزیدی با چهره‌هایی همچون هیبت الحلبوسی و سید عمار حکیم نشان داد که بخش مهمی از نخبگان سیاسی عراق، بیش از هر چیز نگران بحران اقتصادی، ناکارآمدی ساختار اداری و فرسایش اعتماد عمومی هستند. عمار حکیم در دیدار خود با نخست‌وزیر مکلّف، به‌صراحت بر ضرورت مقابله با بحران مالی، تنوع‌بخشی به درآمد‌های عراق و رهیاری از پروگراسی فلج‌کننده تأکید کرد. این سخنان در واقع بازتاب‌نگرانی عمیق جریان‌های سیاسی عراق از آینده اقتصادی کشوری است که با وجود منابع عظیم نفتی، همچنان با

بیکاری، فساد و ضعف خدمات عمومی دست‌وپنجه‌نرم می‌کند. در چنین فضایی، هشدارهای شخصیت‌های مذهبی و سیاسی عراق نیز ابعد تازه‌ای یافته است. ایت‌الله سید یاسین موسوی، امام جمعه بغداد، در سخنانی کم‌سابقه هشدار داد که فاصله گرفتن جریان‌های سیاسی از مطالبات مردم، عراق را در مسیر «تفجّر اجتماعی» قرار داده است. او به روشنی اعلام کرد که مرجعیت دینی طی سال‌های گذشته بارها تلاش کرده سیاستمداران را به اصلاح رفتار خودادار کند، اما بی‌توجهی بخش مهمی از طبقه سیاسی به این توصیه‌ها، باعث کاهش مداخله مستقیم مرجعیت در معادلات سیاسی شده است.

این هشدارها را باید در متن تحولات اجتماعی عراق تحلیل کرد. جامعه عراق در سال‌های اخیر، از فساد ساختاری، ضعف خدمات، بیکاری گسترده و درگیری‌های سیاسی فرسایشی خسته شده است. اعتراضات خیابانی سال‌های گذشته هنوز در حافظه عمومی عراق

زنده است و بسیاری از جریان‌های مذهبی و سیاسی نگران هستند که تداوم وضعیت موجود، بار دیگر موجی از خشم عمومی را فعال کند. از نگاه بسیاری از ناظران، خطر اصلی برای عراق نه‌صرفاً اختلافات سیاسی، بلکه فروپاشی تدریجی اعتماد اجتماعی به کل ساختار حکمرانی است.

جامعه عراق در سال‌های اخیر، از فساد ساختاری، ضعف خدمات، بیکاری گسترده و درگیری‌های سیاسی فرسایشی خسته شده و اعتراضات خیابانی سال‌های گذشته هنوز در حافظه عمومی عراق زنده است و بسیاری از جریان‌های مذهبی و سیاسی نگران هستند که تداوم وضعیت موجود، بار دیگر موجی از خشم عمومی را فعال کند.

بود. او خواستار تبدیل گروه‌های مسلح به ساختارهایی تحت نظارت دولت شد و اعلام کرد هر گروهی که این روند را نپذیرد، خارج از قانون خواهد بود. حتی اعلام آمادگی او برای انحلال «لواء البیوم الموعود» و واگذاری «سرایا السلام» به فرمانده کل نیروهای مسلح عراق، حامل پیامی روشن در باره آینده گروه‌های مسلح در عراق است.

در واقع صدر تلاش می‌کند خود را در جایگاه رهبر پروژه «دولت ملی مقتدر» معرفی کند؛ پروژه‌ای که هدف آن محدودسازی نقش گروه‌های مسلح خارج از ساختار رسمی دولت است. این موضع‌گیری را می‌توان نشانه‌ای از آغاز مرحله تازه‌ای از رقابت در عراق دانست؛ رقابتی که محور اصلی آن، آینده سلاح و نسبت میان دولت و گروه‌های مقاومت خواهد بود.

البته این‌بدان معنا نیست که جریان‌های مقاومت به‌سادگی حاضر به عقب‌نشینی خواهند شد. بخش مهمی از گروه‌های مقاومت عراق، خود را بخشی از معادله امنیتی و راهبردی منطقه می‌دانند و معتقدند تهدیدات آمریکا، اسرائیل و گروه‌های تروریستی همچنان پابرجاست. هم‌زمان، بیانیه صدر را باید آغاز یک جدال سیاسی-امنیتی تازه در عراق دانست؛ جدالی که می‌تواند در ماه‌های آینده به یکی از مهم‌ترین محورهای بحران داخلی این کشور تبدیل شود.

بازگشت مقتدی صدر به معادله قدرت

در این میان، شاید مهم‌ترین تحول سیاسی روزهای اخیر، بیانیه مقتدی صدر، رهبر جریان صدر عراق باشد؛ بیانیه‌ای که بسیاری از تحلیلگران آن را فراتر از یک موضع‌گیری معمول ارزیابی می‌کنند. صدر که طی ماه‌های گذشته تا حدی از صحنه رسمی سیاست فاصله گرفته بود، هم‌زمان با انتخاب علی الزیدی ناگهان وارد میدان شد و شروطی را برای حمایت از دولت آینده مطرح کرد.

مقتدی صدر به‌خوبی می‌داند که تشکیل هر دولت در عراق بدون در نظر گرفتن وزن اجتماعی و سیاسی جریان صدر، با بحران مشروعیت مواجه خواهد شد. او تلاش می‌کند در شرایطی که چارچوب هماهنگی شیعیان موفق شده نخست‌وزیر موردنظر خود را معرفی کند، همچنان خود را به‌عنوان بازیگر تعیین‌کننده معادلات عراق حفظ کند. مهم‌تر از همه، محتوای بیانیه صدر حامل پیام امنیتی و راهبردی مهمی

مقتدی صدر خواستار تبدیل گروه‌های مسلح به ساختارهایی تحت نظارت دولت شد و اعلام کرد هر گروهی که این روند را نپذیرد، خارج از قانون خواهد بود و اعلام آمادگی او برای انحلال «لواء البیوم الموعود» و واگذاری «سرایا السلام» به فرمانده کل نیروهای مسلح عراق، حامل پیامی روشن در باره آینده گروه‌های مسلح در عراق است

تحریم برای تحت فشار قرار دادن ساختار سیاسی عراق استفاده کند. تحریم معاون وزیر نفت عراق و فرماندهان گروه‌های مقاومت، تنها یک اقدام اقتصادی نیست؛ بلکه پیامی سیاسی به دولت آینده عراق است و اشناسنگتن می‌خواهد به بغداد بفهماند که هرگونه نزدیکی بیش از حد به ایران یا حمایت از گروه‌های مقاومت، هزینه‌ساز خواهد بود.

به نظر می‌رسد فشار آمریکا بر بغداد در کوتاهمدت ادامه خواهد یافت؛ زیرا واشنگتن نمی‌خواهد عراق به‌طور کامل در محور نزدیک به ایران قرار گیرد. با این حال، تداوم این فشارها می‌تواند دولت آینده عراق را در موقعیتی دشوار قرار دهد؛ موقعیتی که در آن بغداد ناچار است میان حفظ روابط با آمریکا، کنترل فشارهای داخلی و مدیریت روابط با ایران نوعی موازنه پیچیده برقرار کند.

در کنار همه این تحولات، افزایش فشارهای آمریکا بر عراق نیز به یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های بحران تبدیل شده است. تحریم مقامات عراقی و متهم کردن بغداد به همکاری با ایران در حوزه صادرات نفت، بخشی از راهبرد گسترده‌تر واشنگتن برای مهار نفوذ تهران در عراق محسوب می‌شود. ایالات متحده به‌خوبی می‌داند که عراق یکی از اصلی‌ترین حلقه‌های اتصال اقتصادی و ژئوپلیتیکی ایران در منطقه است. از نگاه واشنگتن، هرگونه تقویت همکاری‌های اقتصادی و امنیتی میان تهران و بغداد می‌تواند سیاست فشار حداکثری علیه ایران را تضعیف کند. به همین دلیل، آمریکا تلاش می‌کند از ابزار

چرا آمریکا فشار بر بغداد را تشدید کرده است؟

در کنار همه این تحولات، افزایش فشارهای آمریکا بر عراق نیز به یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های بحران تبدیل شده است. تحریم مقامات عراقی و متهم کردن بغداد به همکاری با ایران در حوزه صادرات نفت، بخشی از راهبرد گسترده‌تر واشنگتن برای مهار نفوذ تهران در عراق محسوب می‌شود. ایالات متحده به‌خوبی می‌داند که عراق یکی از اصلی‌ترین حلقه‌های اتصال اقتصادی و ژئوپلیتیکی ایران در منطقه است. از نگاه واشنگتن، هرگونه تقویت همکاری‌های اقتصادی و امنیتی میان تهران و بغداد می‌تواند سیاست فشار حداکثری علیه ایران را تضعیف کند. به همین دلیل، آمریکا تلاش می‌کند از ابزار

خبر

بازگشت سفیر فرانسه به الجزایر پس از یک سال



استفان روماته، سفیر فرانسه در الجزایر پس از بیش از یک سال از فراخوانده شدن از سمت خود به دلیل تنش‌ها در زمینه مسئله صحرای غربی و بازداشت شهروندان، به همراه یک فرستاده ارشد دولت فرانسه به این کشور آفریقایی سفر کرده است که به عنوان نشانه‌ای از بهبود روابط میان طرف تفسیر شده است. سفیر فرانسه در الجزایر به همراه یک فرستاده ارشد که قرار است در مراسم یادبود قتل عام دوران استعمار شرکت کند به این کشور واقع در شمال آفریقا بازگشته است. این اقدام در راستای تلاش برای بهبود روابط انجام شده است. شبکه فرانس ۲۴ گزارش داد: روابط فرانسه

شمال آفریقایی از سر خواهد گرفت. این سفر نشانه مهمی از نزدیکی میان الجزیره و پاریس محسوب می‌شود. کاخ الیزه اعلام کرده است که این اقدام نشان‌دهنده «عزم بر داختن به روابط فرانسه و الجزایر با صداقت، هم‌زمان با احترام به تمام خاطرات مرتبط با آن و بازگرداندن گفت‌وگوی موثر» است. بر اساس آمار الجزایر، سرکوب سال ۱۹۴۵ به رهبری ژنرال «ریموند دووال» فرانسه تا ۴۵ هزار کشته بر جای گذاشت. اعتراضات طرفدار استقلال پس از تجمعی در ۸ مه آن سال به مناسبت پیروزی متفقین بر آلمان نازی آغاز شد. تنش‌ها میان الجزیره و پاریس در سال ۲۰۲۴ بر سر بازداشت و اقامت «یوعلام صمّال» نویسنده فرانسوی-الجزایری که در نوامبر گذشته عفو شد و در آوریل ۲۰۲۵ زمانی که یک مقام کنسولی الجزایر در فرانسه به ریایش کرد اینفلوئنسر و منتقد دولت الجزایر متهم شد، بدتر شد. با وجود نشانه‌هایی از اشتهی دیپلماتیک میان دو کشور، یک مسئله حل‌نشده همچنان بازداستی یک روزنامه‌نگار ورزشی فرانسوی در الجزایر به اتهامات تروریستی است.

خبر

دادستان لاهه از فشار آمریکا برای برکناری او پرده برداشت



«کریم خان» دادستان دیوان کیفری بین‌المللی در گفت‌وگوی اختصاصی با رسانه «میدل‌ایست‌آی» اعلام کرد اعضای از نهاد مدیریتی دیوان کیفری بین‌المللی در حال پیشبرد یک کارزار خطرناک و جانبدارانه برای برکناری او هستند؛ کارزاری که هم به اتهام‌های بی‌اساس درباره سوءرفتار جنسی و هم به پیگیری پرونده جنایات جنگی اسرائیل مرتبط است. خان گفت که در جریان پیگیری پرونده صدور حکم بازداشت برای «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر اسرائیل و «یوآو گالات» وزیر جنگ سابق او، تحت فشارها و تهدیدهای مستقیم قرار گرفته است؛ از جمله

غربی و اروپایی خواستار بازگشایی پرونده شده‌اند. دادستان دیوان کیفری بین‌المللی گفت: «گر این روند سیاسی بتواند جایگزین روند حقوقی شود، این الگویی می‌تواند برای حذف هر مقام منتخب دیگری در آینده هم استفاده شود؛ صرفاً بر اساس اتهام‌های ساختگی یا بی‌اساس.» خان نزدیک به یک ماه است که تا پایان بررسی این پرونده در مرخصی نامحدود به‌سر می‌برد. او تأکید کرد در حالی که در پرونده‌های مشابه هویت دیگر مقام‌های متهم محرمانه باقی مانده بود، نام او توسط رئیس دفتر اجرایی مجمع کشورهای عضو در اختیار رسانه‌ها قرار گرفت. او گفت: «چرا با متفاوت رفتار شد؟ این روندی است که فقط در مورد من اجرا شده است» خان همچنین گفت «پلیوی کاتوکورانتا» دیپلمات فنلاندی و رئیس دفتر اجرایی مجمع کشورهای عضو محرمانگی پرونده را نقض کرده و رسانه‌ها را از وجود تحقیقات مطلع کرده است. او در ادامه گفت یکی از معاونان مجمع کشورهای عضو، خارج از هرگونه روند قانونی، با فرود تساک‌ی دیدار کرده است. بر اساس این گزارش، منظور او «هارگار تاکاسلگاتا» دیپلمات فنلاندی و یکی از معاونان مجمع بوده است.

دیبرکل سابق ناتو: شاهد فروپاشی پیمان آتلانتیک هستیم



«آندرس فوگ راسموسن» دیبرکل ناتو در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ در تشریح وضعیت کنونی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی اظهار داشت. آنچه اکنون شاهد آن هستیم، فروپاشی ناتو است و این خطرناک است. رئیس جمهور ترامپ آنقدر تردید در مورد تعهد خود به ماده پنجم و دفاع از اروپا ایجاد کرده است که تنها یک نتیجه

سلاح و مهمات را افزایش دهد.» به نوشته نشریه پالیتیکو، طبق پیشنهاد او، مشارکت محدود به کشورهایی خواهد بود که معیارهای سختگیرانه‌ای را رعایت می‌کنند. راسموسن تصریح کرد: کشورهای ناتو که هدف پنج‌درصد هزینه‌های نظامی را برآورده می‌کنند، باید بتوانند در این امر مشارکت کنند، به تضمین امنیتی مشابه ماده پنج متعهد شوند و از اینکه کشورهای منفرد بتوانند عملیات نظامی را مسدود کنند، جلوگیری کنند. او در ادامه خاطر نشان کرد که باید سازوکاری برای حذف اعضای که این شرایط را رعایت نمی‌کنند، وجود داشته باشد. بنا بر این گزارش، راسموسن که زمانی نخست‌وزیر دانمارک بود، از جنگ به‌رهبری ایالات متحده در عراق حمایت کرد و به‌عنوان دبیر کل ناتو، همواره از نقش آمریکا در این اتحاد دفاع می‌کرد.

جهان نما

گزارش پالتیکو: چین از حمله آمریکا به ایران چه آموخت؟

چین از تجاوز آمریکا علیه ایران به‌عنوان یک فرصت راهبردی برای مطالعه نقاط قوت و ضعف ارتش آمریکا استفاده می‌کند. یکن با دقت عملکرد عملیاتی، مصرف تسلیحات و الگوی استقرار نیروهای آمریکایی را زیر نظر دارد تا برای هرگونه درگیری احتمالی آینده، به‌ویژه در منطقه هند-اقیانوس آرام، آماده شود.

پالتیکو نوشت: نگرانی اصلی کاهش توان بازدارندگی آمریکا در برابر چین است. با وجود آنکه مقام‌های پنتاگون تأکید می‌کنند انتقال ناو هواپیمابر، کشتی‌های جنگی و ۲۵۰۰ تفنگدار دریایی به منطقه غرب آسیا تأثیری بر آمادگی آمریکا در اقیانوس آرام نگذاشته، برخی مقام‌های دفاعی سابق آمریکا معتقدند واشنگتن در سطح عملیاتی دچار مشکل راهبردی شده است.

ایران با استفاده از پهپادهای ارزان و حملات انبوه توانست برخی سامانه‌های پدافندی گران و پراوازه آمریکا را تحت فشار قرار دهد. سرعت بالای مصرف موشک‌های پیشرفته آمریکا؛ از تاماهاوک تا رهگیرهای پاتریوت هزینه زیادی بر پنتاگون تحمیل کرده است. تحلیلگران می‌گویند چین با توجه به بازمانده بسیار بزرگ‌تر موشکی خود می‌تواند از همین الگو در ابعادی گسترده‌تر استفاده کند. به گفته مقام‌های سابق آمریکایی، چین به‌خوبی می‌داند هر موشکی که آمریکا در جنگ ایران مصرف می‌کند، دیگر برای بازدارندگی در منطقه هند-اقیانوس آرام در دسترس نخواهد بود.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا قرار است در روزهای آتی به یکن برود و این سفر بیشتر به این خاطر است که اکنون واشنگتن به شدت به کمک چین برای خارج شدن از این باتلاقی که در خاورمیانه گرفتارش شده، نیاز دارد؛ باتلاقی که به تهدیدی در ناپودی ریاست جمهوری ترامپ و همینطور اعتبار او منجر شده است. روزنامه تلگراف نیز در این راستا به نقل از «حلیمه کرافت» تحلیلگر سابق ژائانس نوشت: تلاش بی‌حد ترامپ برای کم‌اهمیت نشان دادن ضربات ایران شاید نشان‌دهنده ناامیدی او برای یافتن راهی به سوی خروج از این بحران پیش از آغاز انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا باشد. اما هرگونه عقب‌نشینی آمریکا حتماً به شکلی کاملاً تحقیرآمیز در مقابل ایران خواهد بود.



ایران خواستار پایان تحریم‌ها، آزادسازی کامل دارایی‌های مسدود شده، ۲۷۰ میلیارد دلار غرامت، دریافت عوارض از عبور کشتی‌ها در تنگه هرمز و شرایط تقریباً مشابه غنی‌سازی اورانیوم با توافق اوپاوا در سال ۲۰۱۵ کشوری که هیچ استرسی از مسدود بودن تنگه هرمز ندارد، چین است. موسسه کیپلر می‌گوید واردات نفت چین در ماه آوریل به ۹۰ درصد سطح قبل از تجاوز به ایران رسید. این کشور تاکنون بزرگ‌ترین ذخایر استراتژیک نفت جهان احتمالاً ۱.۵ میلیارد بشکه را ایجاد کرده است.

چین همچنین به هر شکلی ۶ تریلیون دلار ذخایر ارزی قابل استفاده دارد. این کشور می‌تواند هر چندر که می‌خواهد نفت از بازار جهانی خریداری کند. قیمت‌های داخلی سوخت را در سطوحی بسیار پایین‌تر از قیمت‌های جهانی محدود کرده است. چین همچنین از نظر انرژی ۸۵ درصد خودکفاست. می‌تواند کل سیستم برق خود را با زغال سنگ و انرژی‌های تجدیدپذیر و بدون گاز اداره کند. در حال حاضر ۴۶ میلیون وسیله نقلیه الکتریکی در جاده‌ها دارد. برای همین از زمان حمله نیروهای آمریکایی به ونزوئلا و آغاز حمله اسرائیلی-آمریکایی به ایران که به بسته شدن تنگه هرمز و توقف عبور و مرور نفتکش‌ها منجر شد، چین مانند دیگر کشورهای به‌ویژه آمریکا با مشکل افزایش قیمت بنزین مواجه نشده است.

این جنگ تغییر تفکر جهانی از سوخت‌های فسیلی به پنل‌های خورشیدی، باتری‌ها و خودروهای برقی را که عمدتاً توسط چین ساخته می‌شوند، تسریع کرده است. اکنون همه می‌توانند محدودیت‌های ارتش بیش از حد گسترده آمریکا را ببینند. این جنگ، شکست پنتاگون در آماده‌شدن برای عصر پهپادهای ارزان قیمت AK-۴۷ آشکار کرده است. یکن شاهد است که آمریکا مهمات نقطه‌زنی را هدر داده است که جایگزینی آنها سال‌ها طول می‌کشد و بدون گالیوم، یک عنصر کمیاب که در انحصار چین است، نمی‌توان آنها را ساخت. آمریکایی می‌تواند ببیند که جنگ، متحدان شرق آسیا را از سامانه‌های دفاع موشکی پاتریوت محروم کرده و این کشور هافهرست بلندی از محموله‌های تسلیحاتی که قبلاً هزینه آنها پرداخت شده است را دریافت نمی‌کند.

اسکات بسنت، وزیر خزانه داری آمریکا پیش از تجاوز به ایران در کنفرانس اقتصادی داووس گفته بود: اگر تسلط چین بر تایوان که تولیدکننده اصلی نیمه‌هادی‌های مورد استفاده در فناوری‌های آمریکایی است، شدت گیرد یا ظرفیت تولید تایوان نابود شود، آنوقت با یک وضعیت آخرالزمانی اقتصادی روبرو می‌شویم. ایالات متحده تا اوایل دهه ۲۰۳۰ قادر به جایگزینی تایوان و تولید و بسته‌بندی تراشه‌های هوش مصنوعی سطح بالای خود در مقیاس وسیع نخواهد بود. تسان ز زمان، برنده یا بازنده مسابقه ابرقدرت‌های هوش مصنوعی مشخص خواهد شد.

با ایلتنا همراه شوید

خبرگزاری کار ایران «ایلتنا»